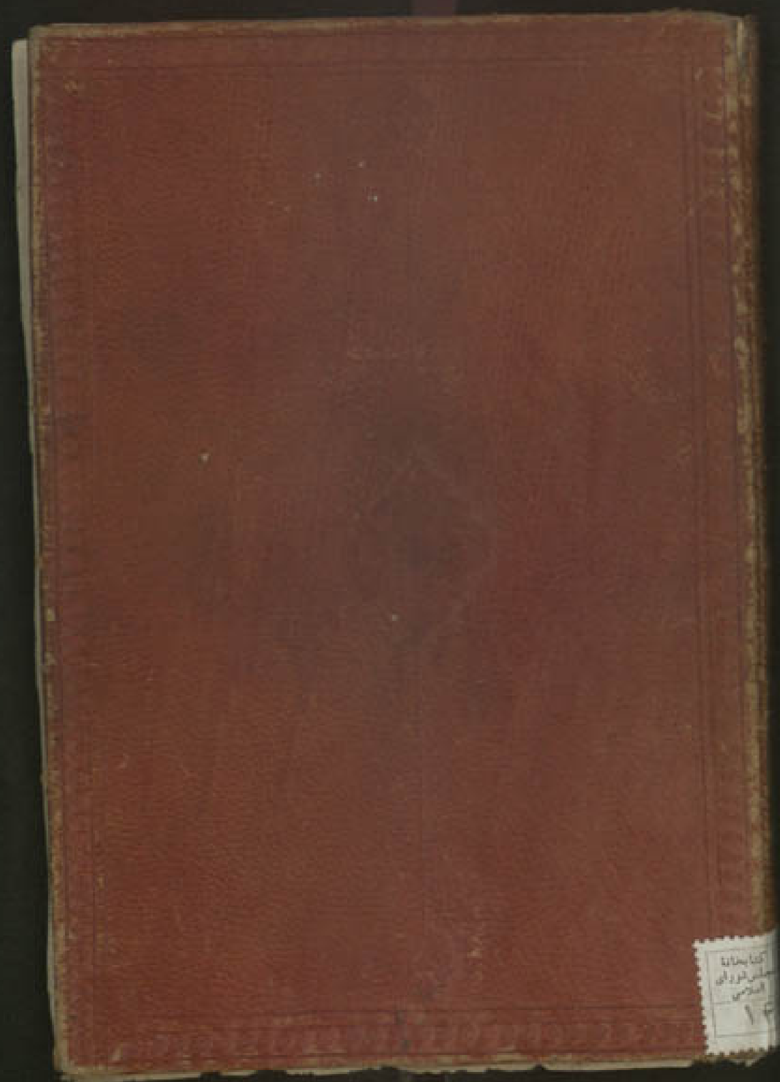
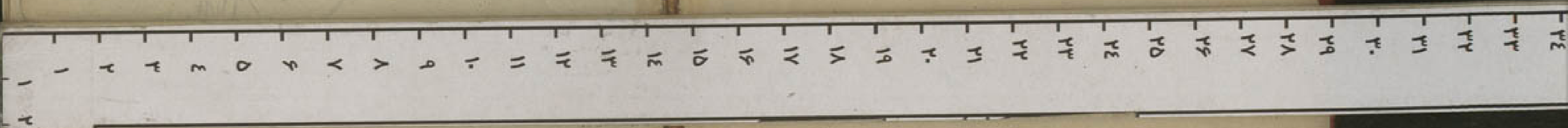


مقابله شد

۲













بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على محمد وآله خير البريات وآل العبا وبعد

نقد

نقد بیانی که واهب آن املاک فصاحت و سحبانی

بدستیاری عاملان و مستأجران السنه و زبان از

مستقلا ضمایر نکته دان ببرحل وصول و بار یافتن تنند

وقف تعطیر و بذل تنویر روضه تحمید و بقعه

تجمید و قبه تقدیس واقف الاسرار است جل شانه که

رواق افلاک و بقعه خاکرا بقنادیل انجم و اختر و مصابیح

مهر منیر و بدر انور در هر مسا و صباح روشن و منور دارد

که الله نور السموات والارض و عنبر و عود تحیت و درودی که

عطاران شهرستان بلاغت از بنادر خاطر بدست آورده در

مسجد دهان بالتنطق سایند در مجمر نعت و منقبت سید

و سرور آن توان سوخت که بتوسط طیب طینت و عنبر خلقش



۲ انداخته روح وفاتحه حیات مشام هستی و مغز وجود هیچ
آفریده شمه نربوده مگر لولاک لما خلقت الافلاک و صلوات
زاکیات و تحیات با برکات بر آل سعادت مآل و اولاد امجاد
آن بزرگوار باد که متولیان موقوفات علیین اند و ناظران املاک
سموات و ارضین معماران عالم وجودند و عمارت کنندگان
بیت وحدانیت حضرت معبود رجال لا تلهیهم تجارة و لا
بیع عن ذکر الله و بعد بسعادت منبر اکبر روضه خاطر بنور معرفت
و ایمان روشن است و مجلس ضمیرش بعطرهای حقیقت و ایقان
معطر این معنی ظاهر و مبرهن است که علیلان مرض علم و
مریضان [illegible] نیستی را طبیب قدرت نامتناهی و حکیم مشیت الهی
از محض تعیش و تکلف تکلیف کرها به وجود هستی نمود و تجرد

تفنن



تفنن و تمتع امر با استحکام شهود و نمود فرموده بلکه
اینمعنا لحه منظور و در سرشت هر یک مفطور که سراپای
وجود را از وسخ و دنس معاصی و هوس شست و شو بعطریات
طاعات و عبادات معطر و خوشبو ساخته آماده رجوع
مسکن مالوف و مهیای بازگشت وطن اصلی باشند که
یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة
مرآت اینمقال چهره نمای شاهد احوال الجناب مستطاب
حقایق و معارف اکتساب وزارت و صدارت انتساب
عظمت و جلالت نصاب ملجا الاکابر و الاعاظم ملاذ
الاماجد و الافاخم سلاله سلسله خاندان مصطفوی
خلاصه قبیله دودمان مرتضوی مقرب الحضرت السلطان



٣ فخر الحاج حاجی میرزا موسی خان است وفقه الله لما یحب
ویرضی که همیشه اوقات بابرکات خود را باکتساب حسنات
مصروف است و مدام ایام خجسته سماتش بجهت
مثوبات موقوف مفاد صدق نفاد کریمه لن تنالوا البر
حتی تنفقوا مما تحبون را نصب العین دیده حقیقت
بین ساخته ذخیره یوم لا ینفع مال و لا بنون قربة الی الله
وطلبا لمرضاته وقف صریح مخلد وحبس مؤبد مسجل نمود
فرمودند همگی وتمامی وجملگی کل یکباب حمام دایر
آبادان مع مضافات وملحقاتها ومتعلقات شرعیه
و عادیه آنرا که معمار همت جناب واقف موقوف معظم الیه
عمارتش را بنا نهاده واز خالص مال خود باتمام و اتمام

داده



داده واقع در دار السلطنه تبریز در محله چهار منار
ومحدود است از سمت قبله بشارع عام محاذی
مدرسه حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام
وشرقا بخانه فتحعلی خان قاجار وشمالا بشارع
عام مشهور بکوچه ملتانیها وغربا بحمام کوچک دنیا
وطویله ملکی واقف بمصارف معینه واخراجات
مشخصه چند که ذکر هر یک از آنها مفصلا و مشروحا
محرر ومرقوم میگردد وتولیت موقوف موصوفا مادام
العمر والحیوة با جناب واقف موقوف ما دام محل است وبعد از
انتقال جناب واقف موقوف الیه بسرای غرور بدار السرور
تولیت شرعیه وقف مزبور با احدی از اولاد جناب واقف

معظم الیه خواهد بود که بصفت رشد و عدالت ۲
موصوف و بحسن ظاهر و امانت معروف باشد و هرگاه
متعدد باشند الاقرب فالاقرب فالرجل نسباً ثم الاکبر اصلح
و با تحقق این شرایط افاد بلی برادر امی مقدم است و
در صورت فقدان رشد و صلاح در اقارب تولیت
وقف با ازهد و اتقی علماء دار السلطنه تبریز خواهد بود
و کیفیت صرف مداخل و منافع آن از واقف معظم الیه
اینست که زیاده از مدت سه سال باجاره ندهند
یا عقد دیگر از عقود شرعیه زاید بر مدت مذکوره
بکسی واگذار ننمایند مگر در صورت خرابی کلی که بدون
اجاره مدت طویله تعمیر نمی‌شود و مبنا و بملاحظه اینکه شاید

یکی



یکی از ظلمه باسم اجاره تصرف کرده بعد بغصب نگاه
دارد شرط شد که بکسانی که در سلک اهل ظلم باشند
مطلقا بعقدی از عقود ندهند الا در صورت خرابی
کلی که اجاره تعمیر آن منحصر باین باشد و هم چنین بملاحظه
اینکه بعضی از متلبسین بلباس شرع باطناً از حلیه
تقوی عاری باشند و بدستاویز اجاره متصرف شده
بعد بحیل شرعیه متمسک شوند و استرداد آن متعذر
بهم رساند شرط کرد که بمتلبسین این لباس نیز مطلقا بصیغ
شرعیه واگذار نشود اگر چه بظاهر آثار ورع از آن
باهر باشد و متولی شرعی بعد از لوازم محافظت و شرایط
حراست و بعد از وضع اخراجات تعمیر لازمه از کل منافع



یکعشر رسم حق التولیه جهت خود و نیم عشر رسم حق
النظاره بجهت ناظر موضوع نماید مگر در صورتی
که متولی و شخص غیر اقاربی باشد که حق التولیه نیم عشر افزون
خواهد بود و نصف دیگر را بمصارف مقرره خواهند
و دو عشر را بمصرف تعزیه و روضه خوانی جناب سید الشهدا
و ذکر مصائب باقی ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
صرف نمایند منتها اگر واقف موفق در حیات باشد در
هر بلدی که خواهد و بعد در دار السلطنه تبریز و
بلاد دیگر و دو عشر دیگر را در ارض اقدس و مشهد
مقدس رضویه علی مشرفه الاف الثنا والتحیه در خود حرم
محترم و صحن روضه متبرکه صرف تعطیر و تنویر و تعمیر نمایند

باطلاع

باطلاع یکی از علماء معروف آن بلد طیبه که شهرت بتقوی
بیشتر داشته باشد و اختیار بعضی از مصارف یک جمع
هر سه موقوف بر حجان در هر وقت است و اگر عطر گل
برای ضریح مبارک و شمع کافوری و امثال آن برای مصارف
ضروریه بکار آید بجنسها از تبریز فرستاده شود باذن
سلامت داده اولی خواهد بود و دو عشر دیگر را در سر من رای
بمصرف روشنائی روضه مطهره عسکریین علیهما السلام و سرداب
مقدس برسانند و هرگاه مقدور نشود باذن آن نباشد که
در آنجا صرف میشود در هر یک از روضات مقدسه نجف اشرف
و کربلای معلی و کاظمین علیهم السلام که اولی دانند صرف نمایند
و دو عشر از آن بفقراء سادات بدهند و افقر را مقدم دارند و نیم



عشر را بکسانی که عالم بعلم قرائت و از حیثیت دیانت محل

وثوق باشند داده موافق معمول هر وقتی قرار کم و کیف

تلاوت دهند که ثواب آنرا بروح جنت جایگاه والدین همان

جناب واقف رحمهم الله تعالی هدیه نمایند و در صورتیکه

رسانیدن بعضی از سهام اربعه قرارداده صعوبت داشته باشد

بر بعضی دیگر بیفزایند و نظارت بعالیجناب وحید العصر

اخوند ملا محمد امام مقانی ساکن تبریز مفوض است و بعد

از ایشان با دیگری از علمای تبریز که در زهد و ورع اشهر باشد

تفویض شود جرت الصیغة فی روضة الوضیّة الرضیّة فی شهر جمادی

الاخری سنه خمسین و مائتین بعد الالف من الهجرة النبویة القدسیة صلی الله علیه و آله

علی هاجرها الاف الثناء و التحیة





بسم الله تعالی

قد تشرف بالاقرار من جناب الواقف الموفق ادام الله برکات وجوده الشریف بجمیع ما زبر فیه ...

قد تشرف بالاقرار من جناب الواقف الموفق ادام الله برکات وجوده الشریف بجمیع ما زبر فیه ...

حسین ناظر مطبخ سرکار فیض آثار

سرکار فیض آثار

بسم الله و لا قوة الا بالله

اعترف الواقف الموفق ... بجمیع ما زبر فیه ...

بسم الله و لا قوة الا بالله

قد اعترف الواقف الموفق المعظم ... بجمیع ما سطر فیه لدی ... الجانی

بسم الله و لا قوة الا بالله

اقر الواقف الموفق ... بجمیع ما زبر فیه لدی ... الجانی

بسم الله و لا قوة الا بالله

قد اعترف جناب الواقف الموفق المعظم ... بجمیع ما فیه لدی ... الجانی

قد تشرف بسماع بلی من جناب المعظم المولی ...

وقد تشرف العبد الاقل الجانی موسی بن علی الحسینی الفراهانی





قد سمعت الاعتراف عن الواقفة الموقفة
السيدة الجليلة النبيلة المخدرة بجميع ما
في هذه الورقة وانا الداعي لدوام الدولة
القاهرة فجريت الصيغة الصحيحة الشرعية
كما هو المحرر ملا اخطر رشد

قد تشرفت باستماع ما زبر في هذه
الخطة عن الواقفة المالكة الموقفة الموصا
العلية الموفقة بالتاييدات الجليلة وانا
الداعي وقد جريت الصيغة بمحضري
ملا اخطر رشد

قد سمعت الاعتراف عن الواقفة الموقفة
دامت خلالها بجميع ما زبر فيه لدى
حرره اقل الحاج عبد العلي

قد سمعت الاعتراف عن الواقفة الموقفة
بجميع ما زبر فيه وجريت صيغة الوقف
كما رقم فيه بمحضري حرره

سمعت الاقرار عن الواقفة
وقد جريت الصيغة لدى
حرره الداعي

اعترفت بجميع ما فيها لدى حرره
في يوم السبت ثامن شهر رمضان
سنة ١٢٦٢

اعترفت دام مجدها
وعلا ازها بجميع ما زبر
فيه لدى حرره

اقرت دامت خلالها
بجميع ما زبر فيه حرره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة
والسلام على حبيبه الذي خير القبائل وآله الاماثل وبعد

محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی جعل قلوب الواقفین علی مواقف المعارف مهابط

انواع الالهام وصیرها باصداف العارفین بحقایق الملک والملکوت

لجاجات اصناف التجلیات ونوّر حدائق احداق البصائر بانوار

البصیرة واظهر بها وغرس فی ریاض جنان اهل الایقان

اشجار الحکمة واجری تحتها انهارها ونصلی علی سید انبیائنا المرسلین واولی

واشرف المقربین من سکان السموات والارضین حبیب الله وصفیه

ابی القاسم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله واما بعد

حمد و سپاس فزون از مکاییل و قیاس و شهد مزرعه

الائی والآجناد رب الارباب است که دهقان عالم جبروت را

بلا انباز و همتا غیری مالک است و ملک ملکوتش منزه از

اشتراک سهیم و مشارکت شریک است و در اعتکاف قدرتش گاو

کاری که از مجره بند بر گردن نهاده و انجم واختر کبوتران

برجی که در هوای شوقش بال افشان و معلق زنان بچرخ

افتاده سنبله در مزرعه دایره فلک از کشتزار صنعتش

خوشه ایست و حاصل کونین برادر خرمن طاعتش توشه

کره خاک از اراضی شوکتش قطعهٔ زمینی است از جوی
بحار مشتری و کردیبا و چرخ پیر در مزرع فیضش دهقانی
که با داس هلال بخوشه‌چینی خرمن دقیقات دقیقهٔ انام
از خاص و عام در ید ملکیت و اقتدار اوست و املاک
شش دانک جهات ستهٔ عالم امکان در تحت تصرف
و اختیار اوست بدانه ریزی قطرات نیسانی نمین سینهٔ
صدف را قابل نمو حبوب لؤلؤ لالی نموده و احداث قوانین
علوم بی پایان در اراضی صدور انبیا و رسل و اولیای کرام
مبدا و معاد فرو ایقان در جداول قلوب علما و هادیان
سبل فرموده مرا او را سد کبریا و منی که ملکش قدیم است
ذاتش غنی و درودی که خوشه‌چین ناطقه با محصد قلم

از



از کشت زار بیان درووده باشد لایق جناب بزرگوار محرم اسرار
که مقصد اصلی از بنای مزرعهٔ جهان حصول حاصل
ذات پاک اوست و علت غائی از احیای اراضی
موات عدم نمو حاصل دانهٔ یکتا گوهر تابناک او و
صلوات تحیات و طیبات بر آل و اصحاب او باد
که جعفر آباد ملت جعفر را مهین سالار اند و حدیقهٔ
دین مصطفوی را نازل منزلهٔ ابر بهاری اسپ سپهر
برحوی بابروی ایشان کردانشد و اطاعت شرع ایشان
عبد آباد بندگی و مومن آباد ایمان را حد و سامان
وبعد بر واقفان مواقف توفیق که استقرار قرای امور
توفیقیه کرده اند مخفی نخواهد بود که در سرزمین بندکانی



نشاندن درخت نیکوکاری مثمر اثمار برخورداری
از امهات و در زراعتگاه دنیا که مزرعهٔ آخرت است
افشاندن تخم رستکاری سبب ادراک ربیع
رستکاری در روز حصاد اعمالهاست ابنا علیه چون توفیقات
ازلی و تاییدات لم یزلی قرین حال و کفیل آمال علیا
جناب قمر نقاب خورشید احتجاب طهارت و خدارت مآب
بلقیس مکانی آسیهٔ الزمانی فاطمهٔ الدورانی اختر برج
عصمت و طهارت گوهر درج عفت و خدارت پرده نشین
حجلهٔ عزت و حیا و تکیه گزین اریکهٔ عظمت و اعتلا
السیدة الجلیلة النبیلة المحترمة والعفیفة المستورة
المکرمة طایفة بیت الله الحرام حاجیه تاج ماه بیگم دامت

خدا

خدارتها همشیرهٔ مکرمهٔ جنات جنت مکان خلد آشیان
علیین آرامگاه حاجی میرزا موسی خان اعلی الله مقامه
و رفع الله درجته کردید تقربا الی الله وطلبا لمرضاته
وقف مؤبد صحیح شرعی وحبس مخلد صریح ملی کردانید
همگی و تمامی کل ششدانک تمام مجری المیاه و محل زراعت
قریهٔ مشهوره بالوار علیا موسومه بملا احمدلو را که واقع است
در محال خطابیان من متعلقات و بلوکات دار السلطنه
تبریز محدود است غربا از اول نهر شادبند الی
فوق نهر نوجوی مشهور بنووجی جنوبا بنهر نوجوی
مسطور شمالا ادکولک بودون الی شور دره و از شور دره
الی کلدره که بالای کلدره طریق رودقا و پایین کلدره

جادهٔ مرند است شرقاً بکفشش و مزرعهٔ مشهوره بانا خوتون
که پایین جادهٔ مرند میباشد و همگی و تمامی کل ششدانگ
مجری المیاه و محل زراعت مزرعهٔ مدعوهٔ مشهوره باولی
و ششدانگ مزرعهٔ مشهوره معروفه بید برنج حاجی میرزا زمان
واقعتین در محال ایضاً که هر یک فی محله لغایت الشهره غنی
از تحدید و توصیف است مع حقوق آبهٔ معینهٔ مشخصه
از رودخانه سنق کوپی مشهور و حقوق آبهٔ معلومه فیما بین
از رودخانه کوموچای مشهور که از اراضی قریهٔ انا خاتون
جاری میشود مع همگی و تمامی کل یکدرب حمام زنانه
واقعه در شهر دارالسلطنهٔ تبریز جنب حمام خرجانه نو دال
وقفی اخ اکرم اعظم جناب واقفه خان علیین آشیان

که



فی
که محله لغایت الشهره مستغنی از تحدید و توصیف است
با کافهٔ ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه هر یک از مزارع
و مراتع و مرابض غنم و اراضی و صحاری بی زار و دیمجه زار
و تلال و جبال و عیون و انهار و دهکده و قلاع و حصار
داخلا و خارجا ارضا و اعیانا و احجار و اشجار و غیر ذلک
مما یتعلق بها او ینتسب فیها سمی ام لم یسم و ذکر ام لم یذکر و وصف
ام لم یوصف بر حفاظ و قراء و فراش و تنویر و سوخت سر مزار
غفران آثار عالمیان افتخار اخ اکرم اعظم افخم خود خان
علیین آشیان معظم الیه اعلی الله مقامه و رفع الله
درجته که در هر عصری از اعصار متولی شرعی وقف مزبور
استیفا مداخل و منافع اعیان موقوفه را نموده بعد از وضع



تعمیرات لازمهٔ وقف مزبور واخراجات ضروریه هرساله
یکعشر کامل بجهت حق التولیهٔ خود تصرف نموده بقیه را
بارض اقدس رسانند انچه بجهت شویر و سوخت
سرکار مرحمت آثار معظم الیه که واضح است در حرم
مطهر منور امام ثامن ضامن صلوات الله علیه بین
الصفتین پیش مبارک و مسجد بالا سر مبارک محتاج باشد
از شموع موم بعلاوهٔ سوختی که از بابت منافع حوالی
وقفی باید صرف شود و کم اید در هر صباح و مسا منور
و روشن باشد جهت تلاوت قراء و حفاظ و غیره صرف
نماید و علی الاستمرار هشت نفر قاری کلام الله صحیح القرائه
و یکنفر فراش متولی شرعی تعیین نمود وظیفهٔ مقررهٔ

ایشانرا



ایشانرا بهر قرار که متولی مقرر دارد بایشان برساند
که بکرة و عشیا در سرکار علیین آشیان تلاوت
نمایند و ما زاد من المصارف المذکوره را متولی شرعی
وقف مزبور باید صرف سوخت حرم مطهر و روضهٔ
منوره امام ثامن ضامن علیه التحیة والسلام نماید
و تعیین حفاظ و فراش و قراء و وظیفهٔ ایشان بنظر متولی
که هرگاه مداخل و منافع حوالی وقفی درب مسجد جامع
ارض اقدس و مزارع مرقومه و حمام مزبور وفا بمصارف
مرقومه از وظیفه هشت نفر قاری و یکنفر فراش و سوخت
سرکار مغفور مبرور ننماید متولی از عدد حفاظ ناقص
نماید بقدری که مداخل موقوفه وفا با انها نماید و علیا جناب



واقفه دامت خلادتها و توفیقاتها تولیت وقف مزبور را
مفوض نمودند مادام الحیوة بنفس نفیسه خود و بعد
از دیر زندگانی باولاد ذکور خود و با عدم آن باولاد ذکور
اقارب خود که بصفت رشد و صلاح آراسته باشند بطنا
بعد بطن و نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب و نیابت
در تولیت و نظارت وقف مزبور را مفوض نمودند جناب
واقفه در دار السلطنه تبریز با علم و اصلح و اتقی علما
آن بلد و در ارض اقدس طوس بمتولی شرعی سرکار فیض
آثار که در هر عصری از اعصار هر گاه متولی شرعی وقف
مزبور در ارض اقدس متوطن و مجاور بوده باشد اعلم
و اصلح و اتقی علماء دار السلطنه تبریز بنیابت و نظارت

باید



باید جمع آوری و استیفاء حاصل و منافع وقف
مزبور را نموده یک ربع از یک عشر منافع موقوفه را بجهت خود
تصرف نموده بحق النظاره و ما بقی را بعد از وضع
اخراجات لازمه آن در سال نزد متولی بارض اقدس نماید که
متولی شرعی وقف مزبور باطلاع و نظارت متولی شرعی
سرکار فیض آثار حسب القرار واقفه بمصارف موقوف
علیه مصرف دارد با عدم توطن و مجاورت متولی در ارض
اقدس هر گاه در دار السلطنه تبریز باشد خود متولی باطلاع
ناظر آن بلد استیفاء منافع وقف مزبور را نموده یک عشر
آنرا بجهت حق التولیه خود تصرف نموده یک ربع عشر آنرا
هم بجهت حق النظاره بناظر آن بلد رسانیده ما بقی را



بنظارت ناظر آن بلد بمتولی شرعی سرکار فیض آثار و ناظم
ارض اقدس رسانند که حسب القرار واقفه متولی شرعی
سرکار فیض آثار معمول دارد و هرگاه متولی شرعی وقف
مزبور در دار السلطنه تبریز هم نباشد با انقراض اولاد
ذکور اقارب واقفه العیاذ بالله تولیت و نظارت وقف
مزبور در دار السلطنه تبریز با ناظر معظم الیه سابق
الذکر است و در ارض اقدس با متولی شرعی سرکار
فیض آثار که متولی تبریز بعد از استیفاء منافع وقف
همان بلد ربع عشر حق النظاره خود را تصرف نموده
ارسال نزد متولی شرعی سرکار فیض آثار نماید که
یکعشر حق التولیه را جهت خود بازیافت نماید مابقیرا

بمصارف









بمصارف مقرره واقفه مصروف دارد و علیا
جناب واقفه تمامی اعیان موقوفه را از تحت تصرف
و قید تملک خود اخراج و بتصرف موقوف علیهم وا
گذاشت و خود تولیت تصرف نمود و صیغه شرعیه
بر مراتب مسطوره واقع و جاری شد و وقفا صحیحا شرعیا گشت
بحیث لا یباع و لا یرهن و لا یوهب و لا یصالح فمن بدله
بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و کان
ذلک بتاریخ عشرین من شهر رجب المرجب من شهور
سنه ثلاث ستین و مائتین بعد الالف من الهجرة
النبویه صلی الله علیه و آله

۱۲۶۳





بسم الله تعالى

قد اجريت الصيغة الوقف على النهج المسطور وكالة عنها واكثر بعضها اخلائها

على محمد حسنى الحائرى ... مجتهد ... الله

بسم الله تعالى

قد اعترفت الواقفة التي ... دامت ... بجميعه ... فيه ... الاحقر ...

على محمد ... حاجى ميرزا حسن ...

بسم الله ... الاشا

هذا شرف بالاعتراف عن الواقفة الموصوفة بما زبر فيه وانا العبد الذليل ...

على محمد حاجى ملا ... فراش ...

علمت بما زبر فيه زاد الله توفيقاتها ونقبل ... حاجى ميرزا هاشم مجتهد ...

ذلك كذلك

على محمد جعفر ميرزا عسكرى المرجعة مشهد مقدس

اقر ... الداعى ...

هو الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل قلوب الواقفين على ضبط موقوفاتها المعارف مهبطاً

انواع الالهامات وصيرها باصدق العبارات في حقايق الملك

والملكوت مجالي لصفات في التجليات ونور بفيض جلاله احداق ذوي البصائر من

بانوار البصيرة وازهارها وغرس في رياض جنان جنات اهل الاقبال بقائها

اشجار الحكم واجرى تحتها انهارها وفضل على الانبياء بالمراتب

محمد بن عبد الله خاتم النبيين وآله البحور الزاخرة الطيبين الطاهرين من

الاُنجبین المکرّمین **وبعد** از طوالع مطالع اینکتاب
باضواء وشوارق مشارق انتخاب مستطاب المعروف
اینمعنی تابنده وشعشعهٔ وقوع اینمقدمه در خشنده بام
که هر کرا شمع هدایت ازلی رهبری نماید وخاطر از کدورات
نفسانیه مصفّی سازد بر مرآت ضمیر منیر او صورت اینمعنی
جلوه گر گردد که احسن وسایل واشرف ذرایعی که
ارباب توفیق واصحاب تایید بدستیاری همّت بلند و
اعانت بخت ارجمند گوی سعادت دارین وسرافرازی
نشاتین در میدان نجات از هلکات نیران وقصب السبق
قرب وزلفی با اصحاب جنان از همگنان توانند ربود والتزام
طریق خیرات وصدقات وتعهد اتیان بمراسم اعطاءات

ومبرات



ومبرات است بمضمون حدیث شریف اذا مات ابن
آدم انقطع عن عمله الا عن ثلاث صدقة جاریة وعلم
ینتفع به وولد صالح یدعو له واز اینکه مراتب
دنیهٔ دنیا را بقای ولذات فانیهٔ جسمانیه را ثبات نیست
وارتقا بر معارج سعادات اخرویه کسی را میسّر شود
که همگی اوقات فرخنده ساعات خود را در تکثیر خیرات
ومبرات از صلهٔ ارحام وبرّ والدین صرف نموده سعی
موفور بتقدیم رساند وکنز اموال خود را ذخیرهٔ
اعتصام یوم لا ینفع مال ولا بنون سازد بنا علیه
توفیقات حضرت سبحان وتاییدات ملک منّان شامل
وکفیل احوال علیا جاه بلند جایگاه خداوندت وطهارت



دستگاه مستورهٔ جملهٔ عصمت و حیا و تکیه گزین
اریکهٔ عزت و اعتلا تاج المخدرات و زین العفایف
والمستورات آسیة الزمان و فاطمة الدوران طایفهٔ
بیت الله الحرام و زایرة الرکن والمقام نواب علیه عالیه
حاجیه تاج ماه بیگم دامت خدارتها همشیرهٔ مکرمهٔ
جناب غفران مآب علیین آرامگاه المستغرق فی بحار
انوار رحمة الله الملک الاله حاجی میرزا موسی خان
اعلی الله مقامه و رفع الله درجته کرده‌اند از عین المال
حلال ملکی موروثی از خان علیین آشیان تقربا الی الله وطلبا
لمرضاته وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی نموده‌اند همگی
و تمامی و قاطبه و جملگی کل یکدرب باغچه ملکی موروثی

خود



خود را که واقع است در خارج شهر بند دار السلطنهٔ
تبریز سمت دروازهٔ باغمیشه و قریب به مزار کثیر الانوار
امام زاده سید حمزه جنب خانهٔ عالیجاه معلی جایگاه
اسمعیل خان که لغایت الاشتهار فی محله غنی از تحدید
و توصیف است با کافهٔ ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه
از اشجار و احجار و جدران و باره و کل ما یتعلق بها من القلیل
والکثیر والنقیر والقطمیر بفرش و حفاظ سرکار مرحمت و
غفران پناه علیین آشیان والد ماجد خود سرکار رضوان
آثار قایم مقام بزرگ جناب میرزا عیسی علی الله مقامه
و رفع الله درجته که واقع است در دار السلطنهٔ تبریز جنب
مزار کثیر الانوار امام زاده سید حمزه خارج دروازه مکر کوهر عصری



اذا اعطا متولی شرعی ان یک عشر از منافع و مداخل
از بحق التولیه جهة خود تصرف نماید و بقیه منافع
از انچه لازمه احتیاج سرمزار غفران اثار جناب معظم
الیه باشد از قهوه و قلیان و کلاب و غیره صرف نماید
که در دهه ایام بقدر شایستگی و تردد معزدین کلام
و قهوه و قلیان استعمال نمایند و ما زاد عن المذکور را
تسلیم قراء صحیح القرائه سرمزار جناب معظم الیه و خادم
مزار مرحوم مغفور مبرور و هر یک را بهر قدر که متولی
صلاح داند نماید که لیلا و نهارا مشغول تلاوت کلام
الله مجید در آن سرمزار باشند و تولیت وقف مزبور ما دام
اشتغال
العمر و الحیوة با علیاجاه واقفه موقوفه دامت خدارتها است و بعد از

علیا



علیاجاه واقفه از سرکار غرور بدار السرور تولیت شرعیه
وقف مزبور با احدی از اقارب جناب واقفه معظمة الیها
خواهد بود که بصفت رشد و عدالت موصوف و بحسن ظاهر
و امانت معروف باشد و هرگاه متعدد باشند الاقرب
فالاقرب فالرجل انسب ثم الاکبر اصوب و با تحقق این شرایط
اقارب ابی بر امی مقدم است و در صورت فقدان رشد
و صلاح در اقارب تولیت وقف با ازهد و اتقی علما
دار السلطنه تبریز خواهد بود که بقرار مرقوم حسب
القرار واقفه معمول دارند و علیاجاه واقفه عین
موقوفه را از تصرف خود اخراج و بتصرف وقف
واگذاشتند و خود تولیه تصرف نمودند و صیغه



شرعیه بر مراتب مسطوره واقع وجاری شد فمن
بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه
وکان ذلک بتاریخ هجدهم شهر محرم الحرام سنه ثلث وستین [illegible]
بعد الالف ۱۲۶۳

بسم الله خیر الاسماء

لما قرئت الناقلة المعظمة دامت عفتها [illegible]
توفیقها بعد حصول العلم بانها هی المصالحة
الصحیحة الشرعیة وتحقق وقوع مضمونها [illegible]
وسطر فی الورقة من الوضع القبلی الشرعی
کما تحقق بشهادة جمع من العلماء الثقات العظام
کابر [illegible] منضما الی الامارات
[illegible] لدی خادم الشریعة الشریفة
الغراء فی ثالث عشر شهر جمادی [illegible]
[illegible] وستین [illegible] بعد الالف
من الهجرة النبویة علی هاجرها الاف التحیة
۱۲۶۳
محل مهر جناب [illegible] شریعتمدار
حاجی میرزا [illegible] مجتهد تبریزی سلمه الله

سمعت الاقرار منهما دامت عفتهما
بصحة المصالحة الشرعیة [illegible]
فی الورقة وحصل لی العلم بانها
[illegible] وفیقا فی ۲ جمادی
الاخری ۱۲۷
محل مهر جناب میرزا [illegible]
محل مهر آقا سید [illegible]

۲۳

بسم الله العزیز المتعال
جرت صیغة الوقف بشرایط الصحة
واللزوم حسبما فصل فی المتن فی [illegible]
عشر من شهر جمادی الاولی من العام
التاسع والستین بعد الالف [illegible]
من الهجرة النبویة [illegible] لدی العبد
محل مهر [illegible]

بسم الله تعالی شانه
نعم جرت صیغة الوقف وتحققت شرایطها
صحة ولزوما حسبما شرح ورقم فی المتن
فی الحادی عشر من شهر جمادی الاولی
۱۲۶۹ سنه لدی العبد المحتاج الی عفو ربه
محل مهر جناب [illegible] شریعتمدار
حاجی ملا عبد الله مجتهد شاه عبد العظیم

قد حصل لی العلم بمراتب المسطورة بما
[illegible] العلم وانا [illegible] العلما
محمد کریم بن محمد رحیم [illegible]
فراهانی [illegible] والاخلاف
محل مهر [illegible]

بسم الله تعالی
اعترف بالوقف الجامع للشرایط الاثنا
[illegible] المقرر فی الورقه
یوم الاثنین [illegible] شهر رجب المرجب
۱۲۶۹ محل مهر [illegible] شریعتمدار
[illegible] مجتهد سلمه الله

[illegible] آقا بابا
محل مهر [illegible]

قد وقع ما زبر فیه لدی الاثم
محل مهر حاجی [illegible] شاه عبد العظیم

فذلک الکتاب لا ریب فیه
محل مهر جناب ملا جعفر

قد اعترف ونعم ما [illegible]
محل مهر [illegible] ملا [illegible]

[illegible]
محل مهر [illegible]
نعم الاقرار [illegible] لا ریب فیه
محل مهر [illegible] حاجی آقا [illegible] عبد العظیم

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الواقف علی الضمائر المطلع علی السرائر والصلوة
والسلام علی محمد وآله خیر القبائل والعشائر
وبعد غرض از تحریر وباعث بر تسطیر این کلمات
واضحة الدلالات آنست که بعد از آنکه علیا جاه رفعت

وجلالت دستگاه فخامت و مناعت اکتناه شمس فلك
عفت و عصمت و بدر آسمان خدارت و طهارت
فاطمة الزمان وخدیجة الدوران نخجسته نهال
گلستان مصطفوی سلالهٔ دودمان مرتضوی فخر
الحاجیات والمعتمرات حاجیه تاج ماه بیگم خانم المشهوره
بحاجیه خانم دام مجدها العالی صبیهٔ محترمه مکرمهٔ مرحوم مغفور
جنت مکان علیین آشیان میرزا بزرك قایم مقام الملقب
بقائم مقام بزرگ ما بتحقق جمیع شرایط شرعیه معتبره تمامی
شش دانگ قریهٔ خاجه مرجان از قرای دار السلطنهٔ تبریز را بانضمام
چهار دانگ مشاع از شش دانگ قریهٔ صوفیان از قرای
دار السلطنهٔ تبریز که هر یك لذا نهاد کمال شهرت محدود از

از

از توصیف و تحدید مستغنی است با جمیع توابع و لواحق
شرعیه و عرفیه انها بعقد صلح صحیح لازم شرعی مشتمل
نمودند بعلیاجاه عظمت و جلالت دستگاه عفیفه
تقیه نقیه فخر المخدرات و المستورات نخبة الحاجیات
والمعتمرات حاجیه خدیجه خانم المشهوره بحاجیه آغا زید
عزها وعلاها صبیه معظمه مرحمت پناه رضوان جایگاه
حاجی میرزا یوسف ابن شیخ مستوفی حلیله جلیله مرحوم مبرور
میرزا محمد تقی علیابادی الملقب بآقا بعوض معلوم در خارج
و صیغه آن بقانون شرع جاری گردید فی المجلس علیاجاه
حاجیه آغای مصالح لها ما بتحقق جمیع شرایط شرعیه معتبره
در صحت معاملات قربة الی الله و طلبا لمرضاته و صح تصحیح



لازم شرعی و حبس مخلد صریح جازم ملی نمودند همگی
و تمامی کل ششدانگ قریهٔ اولی خالصه رجان و چهار دانگ عزبود
از قریهٔ ثانیه را با جمیع توابع و لواحق مرقومه هر یک
بنحوی که بایشان منتقل شده بود بدون وضع و استثنای
چیزی از آنها بر علیاجاه حاجیه خانم مصالحهٔ سابقة الالقاب
مادام حیوة ایشان که جمیع منافع آنها هر چه باشد
بالتمام تسبیل ایشان باشد هر نحوی که خود خواهند
و پس از عمر طبیعی ایشان بر قاطبهٔ مؤمنین و مؤمنات
اثنا عشریه که متولی شرعی منافع آنها را همه ساله پس
از وضع مخارج متعلقه بعین موقوفه حتی آنچه در آبادی
ملک صرف شود مثل احداث قنات جدید و بنای قلعه و بیوتات

وباغ



و باغ و نحو آنها از چیزهائی که باعث آبادی و زیادتی قیمت
و منافع ملک شود بنحوی که منافی با غرض بنا شد بدهد
سهم منسهم و منقسم نماید باین نحو که یک عشر را
متولی از بابت حق التولیه خود بردارد و یک عشر را چهار
قسمت کند یک قسمت را که یک ربع از یک عشر است از بابت
حق النظاره بناظر بدهد و سه قسمت را که سه ربع از یک
عشر است بفقرای رجال از سادات عزاب اگر چه در سن بلوغ
صاحب زن بوده و بعد بالفراق و الموت عزب شده باشند
بدهد که صرف امر تزویج خود بر وجه شرعی نموده باشند
و تعیین مبلغ و مقدار اگر چه منوط است بنظر متولی
و ناظر لکن نباید از پنج تومان کمتر و علاوه بر ده تومان بناشد



ونیم عشر را اثلاث نموده یك ثلث را صرف روشنائی
مقبرهٔ منورهٔ حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و خود
مسجد کوفه از برای زوار و معتکفین نمایند و دو ثلث را
صرف روشنائی روضهٔ متبرکهٔ حضرت عباس سلام الله علیه
نمایند و سه عشر و نیم را در نجف اشرف زاده الله عزاً
و شرفاً و تعظیماً نمایند که از یك عشر از آن کتب فقهیه
ابتیاع شود و بمستعدین از مشتغلین و علمای اهل
از عرب و عجم بدهند که از آنها منتفع شوند و اصل کتب
کاصل الموقوف باقی بماند و یك عشر از آن بفقرای
از طلاب علم فقه از عرب و عجم که در نجف اشرف هستند و حقیقةً
محصل علمند و آثار ترقی در ایشان ظاهر است بدهند
که

که صرف معاش خود نمایند و کسانی را که افقر و اهل بود در بلد خود
ما بیده امیدواری ندارند ولو علی نحو التبرع مقدم بدارند
و یك عشر از آن را صرف روشنائی حرم محترم و رواق منور
آن بزرگوار صلوات الله و سلامه علیه نمایند و نیم عشر
از آن حق متولی امورات راجعه بعتبات عالیات عرش
درجات است از نجف اشرف و مسجد کوفه و کربلای معلی
و کاظمین و سر من رای که یکی از مجتهدین نجف اشرف است
که اشهر و بصفت زهد و تقوی موصوف باشد و در صورت
احتیاج این متولی بنائب و عاملی از قبل خود اجرت نائب
و عامل مزبور از نیم عشر مذکور که حق این متولی است
باید داده شود و یکعشر را صرف تعزیه داری حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار آن بزرگوار صلوات الله
و سلامه علیهم اجمعین و متعلقین ایشان از شهدا و اسرا و امثال
ایشان از اشخاصی که تعزیه داری برای ایشان شرعاً مستحسن
و مطلوب باشد نماید از اموراتی که متعلقه بتعزیه
داری است از اجرت مرثیه خوان و اطعام و قهوه و
قلیان و شربت و نحوها از مقدمات و مقارنات و
موخرات بنحوی که متولی شرعی و ناظر صلاح دانند که تعزیه
داری مزبور در شهر دار السلطنه تبریز در هر محل و هر قسم
که متولی و ناظر صلاح دانند در ایام محرم یا صفر یا تمکن
از تعزیه داری در آنها و یا عدم تمکن از آن در ایام و لیالی
متبرکه سال از قبیل ایام و لیالی قدر و ایام و لیالی

وفات

وفات جناب فاطمه زهرا و یکی از حضرات ائمه
هدی علیهم آلاف الآلاف التحیة و الثنا و ایام و لیالی
جمعه و نحوها باید شده باشد و دو عشر را اثلاثا
قسمت نمایند یک ثلث از آنرا صرف روشنائی حرم محترم
حضرت سید الشهدا جناب امام حسین صلوات الله
و سلامه علیه نمایند و یک ثلث از آنرا بفقرای از زوار
آن بزرگوار اگر چه ابن سبیل باشد بدهند و زیاده
بر دو تومان و کمتر از دو هزار ندهند و یک ثلث از آن را
در کربلای معلی در ایام محرم و غیرها من ایام السنة
بتفصیلی که سابقاً مرقوم شد صرف تعزیه داری نمایند
و یکعشر را صرف روشنائی حرم محترم حضرات کاظمین



وعسکریین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین
وسرداب مقدس حضرت امام زمان جناب صاحب الامر
عجل الله فرجه نمایند باین نحو که یک خمس در سرداب
مقدس وچهار خمس بالمناصفه در روضه متبرکه
حضرات کاظمین وعسکریین علیهم السلام صرف شود وشرط
شرعی شد که متولی شرعی منافع عین موقوفه را از سه سال
بیشتر بعقد اجاره یا عقد دیگر منتقل نکند وبعد از
انتقال تا سه سال سابق تمام نشود ثانیا نقل منافع
ننماید وهکذا بظالم متقلب که خوف استقلال وغصب
او باشند ندهند وتولیت ونظارت عین موقوفه ومنافع
آن از زمان وقوع وقف عز بود الی سه روز تمام با جناب

مستطا



مستطاب شامخ الالقاب العلم العلام الفهام قدوة
الانام مرجع الاسلام وحید العصر فرید الدهر
مجتهد الزمان تاج الحجاج والعماد مولانا الحاج
ملا عبد الله دام مجده وعلاه میباشد وپس از مدت
مرقومه مادام حیاة علیا جاه فخر المخدرات حاجیه مکرمه
محترمه حاجیه خانم موقوف علیها تعیین متولی نشده
وخودان مکرمه محترمه مختاره در صرف منافع میباشند
بهر نحوی که خواهند نیز اگر تسبیل بر ایشان است واما بعد از آن
مکرمه معظمه محترمه که وقف بر مؤمنین ومؤمنات است
تولیت مفوض است بیکی از اقارب حاجیه مکرمه حاجیه خانم
سابقة الالقاب به مرتبه اولی که اقرب باوست واکثر سهم



درادت باشد چه از ذکور و چه از اناث بشرط انکه
صاحب صفت بصیرت و صلاح بحال عین موقوفه
و صرف منافع ان در مصارف مقرره مرقومه باشد
ولو بواسطه و نیز متصف باشد بصفت رشد و امانت
و حسن ظاهر و با تعدد چنین شخص ذاتا و صفتا تولیت
با جمیع ایشانست و با فقدان چنین شخص ذاتا او صفتا
تولیت با ازهد و اتقای از علمای متشرعه دار السلطنه
تبریز است که از عرفا و شیخیه نباشد و نظارت
امورات متعلقه بعین موقوفه و منافع ان پس از گذشتن
مدت سیر و ذخیره با جناب مستطاب شامخ الالقاب العلم
العلامه الفهامه زبده اصحاب العمامه شرف الحجاج والعمار

الحاج



الحاج میرزا محمد باقر دام مجده العالی امام جمعه دار
السلطنه تبریز است و بعد از ان جناب با کسی است
که بصفت عدالت و امانت و متشرع بودن مشهور
باشد و از اقارب حاجیه محترمه حاجیه خانم معظم باشد
که همان نظر نماید و مطلع باشد دون استصواب و صلاح
دید و اگر صاحب اوصاف مرقومه در اقارب متعدد باشد
همه ناظرند و اگر صاحب اوصاف مزبوره در اقارب نباشد
هر یک از ایشان که اقرب باشد با اوصاف مرقومه او ناظر است
و اگر هیچ یک از انها صاحب اوصاف مزبوره با اقرب
با انها نباشد چه از ذکور و چه از اناث نظارت با کسی است
که بصفت عدالت و امانت مشهورتر است از سکنه دار



السلطنه تبریز و با تعدد در اینصورت کسی ناظر است
که توقع شرعیه باطلاع و حضور متولی باسم او
خارج شود و صیغه وقف مزبور بنحو مقرر در شرع
شریف فارسیا و عربیا ایجابا و قبولا مرة از جانب مخدره
مکرمه حاجیه خانم موقوف علیها ناظر بانکه موقوف
علیها میباشند و مرة از جانب حاکم شرع ناظر بانکه وقف
عام است و مرة از جانب جناب متولی و ناظر مکرم که تا سه بطون
انجناب متولی و ناظرند جاری کردید و قبض و اقباض و تخلیه
و تصرف از جانب حاجیه محترمه حاجیه خانم سابقة الالقاب
که موقوف علیها میباشند و از جانب جناب متولی و حاکم
شرع نیز بعمل امد فصار وقفا صحیحا لازما شرعیا

دکان



وکان ذلک فی یازدهم شهر جمادی الاولی از شهور سنه
هزار و دویست و شصت و نه از هجرت ۱۲۶۹

بسم الله خیر الاسماء

قد اقر لدی الناظرة المعظمة دامت عفتها و [illegible]
توقفهما بعد حصول العلم بما هو [illegible]
الصحیحة الشرعیة و تحقق وقوع مضمون
ما زبر و سطر فی هذا الورق من الوقف الصحیح
الشرعی کما زبر فی الورقة بشهادة جمع
من العلماء الثقات العظام کتابة و غیرهم شفاها
منضما الی الامارات و القرائن الدالة علیه لدی
خادم الشریعة الغراء و الحنفیة البیضاء فی
ثالث عشر جمادی الاخری من شهور السنة
الاولی من العشر الثامن من المائة الثالثة من
الالف الثانی من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله
حرره الداعی ... محل مهر جناب مستطاب
شریعتمدار حاجی میرزا باقر مجتهد تبریزی
سلمه الله تعالی

سمعت الاقرار منهما دامت عفتهما
بصحة المصالحة الشرعیة المرقومة
فی المتن و حصل لی العلم بها
[illegible] ۱۲۷
جمادی الاخری ۱۲۷۱ محل مهر
میرزا علی آقا [illegible]

بسم الله تعالی
قد اعترف بما زبر فیه لدی
العبد الجانی حسین [illegible]
محل مهر

قد وقع ما زبر فیه لدی الاقل
محل مهر حاجی میرزا [illegible]
من الشهود [illegible]
[illegible] محل مهر

بسم الله و له الحمد
قد اعترف [illegible]
[illegible]

ذلک الکتاب لا ریب فیه
محل مهر ملا جعفر [illegible] عبد العظیم
مراتب مرقومه متن صحیح است و خلافی ندارد
محل مهر [illegible] الحاج محمد رضا خان [illegible]



بسم الله تعالی شأنه العزیز

نعم الامر کما سطر فیه وحرره بخطه الشریف المولی الاعظم والشیخ الاکرم الاماثل وفخر الافاضل علامة العلما العظام ومفتی شرع الاسلام المجتهد الزکی جناب الحاج ملا ... ادام الله ... علیه ... فی الحادی عشر من شهر جمادی الاولی سنة ...

محل مهر ... شاه عبد الله العظیم ...

بسم الله تعالی

اعترفت بالوقف الجامع للشرایط ... ولزومها علی النهج المشار الیه بخطه المولی الاکرم الاعظم ... الاثنین ... رجب المرجب ...

محل مهر ... عبد الحسین ...

بسم الله العزیز المتعال

جرت صیغة الوقف الجامعة لشرایط الصحة واللزوم علی النهج المسطور فی الورقة ... القبول عن ... المعظمة الموقوف علیها وعن الحاکم الشرعی والمتولی والناظر فی جمیع الصیغ الاصلیة والاحتیاطیة ... کل منهم ... کما اشیر الیه فی المتن ومن الشیخ ... الوقف علیها وعلی المسلمین اذا ... القرائن ... المشار الیها ... الوقف علیها وعلی المسلمین بشرط ان یصرف المنافع او عوضها فی المصارف المسطور فی الحادی عشر من شهر جمادی الاولی ... والستین بعد الالف ومائتین من الهجرة ...

محل مهر ...

قد حصل لی العلم بجمیع ما ذکر ...

... للامان ... محل مهر

وقبلت الشرعیة ... محل

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف علی الضمایر والمطلع علی السرایر والصلوة والسلم علی محمد واله خیر القبایل والعشایر وبعد

سبب انتظام انتظام احکام محرر این کلمات شرعیت فرجام انست که

بعد





بعد از انکه علیا جاه عظمت و جلالت دستگاه مجدت و ... انتبا قمر نقاب خورشید احتجاب شمع شبستان مصطفوی ... نهال گلستان مرتضوی فخر الحاجیات والمعتبرات حاجیه تاج ماه بیگم خانم الشهیره بحاجیه خانم دام مجدها العالی دخت مرحوم مغفور جنت مکان علیین آشیان میرزا بزرک قایم مقام الملقب بقائم مقام بزرک با تحقق جمیع شرایط شرعیه معتبره در صحت معاملات تمامی دو دانک مشاع از کل ششدانک قریه صوفیان از قرای دار السلطنه تبریز با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه ان بقدر الحصه الشایعه نسبت بدو دانک غیر بود که یک ثلث کامل



از کل است بالتمام بدون وضع واستثنای چیزی از آن
انچه باشد کلاً وطراً که در محل خود از کمال شهرت
از تحدید و توصیف مستغنی است بعقد صلح صحیح
لازم شرعی منتقل نمودند بعلیاجاه عزت و رفعت
جایگاه خدارت وطهارت دستگاه العفیفة
الصالحة النقیة زینت الحاجات والمعتمرات
حاجیه خدیجه خانم الشهیرة بحاجیه اغاصبیه
محترمه مرحمت شان جنت مکان حاجی میرزا یوسف
اشرفی مستوفی حلیله جلیله مرحوم رضوان جایگاه
میرزا محمد تقی علیابادی الملقب باقا بعوض معین
در خارج وصیغه صلح مزبوره شرعا جاری گردید

فی المجلس علیاجاه نخبة المخدرات والمستورات
حاجیه اغا مصالحه لها با تحقق جمیع شرایط شرعیه
معتبره در صحت قربة الی الله تعالی وطلبا لمرضاته
وقف مؤبد صحیح لازم شرعی وحبس مخلد صریح جازم
ملی نمودند همگی وتمامی دو دانک مزبور از قریه صوفیاز
مسطوره با جمیع توابع ولواحق مرقومه آنرا که بایشان
منتقل شده بود مجملاً کل ما انتقل الیهما را بالتمام
بدون استثنای چیزی از آن کلاً وطراً بر علیاجاه
حاجیه خانم مصالحه سابقة الالقاب مادام حیات
ایشان که جمیع منافع ان قریه باشد بالتمام تسبیل ایشان
باشد بنحوی که خود خواهند وپس از عمر طبیعی ایشان



کہ داعی حضرت الہیت را اجابت کند و از دار الغرور به دار
السرور ارتحال نماید بر قاطبهٔ مؤمنین و مؤمنات
اثنی عشریه باین نحو که متولی شرعی هر ساله جمیع منافع
عین موقوفه را بعد از وضع مخارج متعلقه بعین
موقوفه حتی آنچه در آبادی ملک صرف شود مثل
احداث قنات جدید و بنا قلعه و بیوتات و باغ و نحو
انها از چیزها که باعث زیادتی قیمت و منافع ملک
شود بنحوی که منافی با غرض نباشد و پس از وضع
یک عشر حق التولیه متولی و نیم عشر حق النظاره
ناظر شرعی و یک عشر و نیم که بفقرای رجال عزاب از
غیر سادات اگرچه در سابق صاحب زن بوده و بعد

بالفراق



بالفراق و الموت عزب شده باشند بدهند که صرف
امر تزویج خود بر وجه شرعی نموده باشند و تعیین
مبلغ و مقدار اگرچه منوط است بنظر متولی و ناظر
و لکن باید از ده تومان بیشتر و از پنج تومان کمتر نباشد
و بعد از اخراجات که نوشته شد و پس از سه عشر
مزبور آنچه باقی بماند که هفت عشر است کل آن را صرف
مقبرهٔ علیا جاه حاجیه خانم سابقة الالقاب نمایند
از اجرت قراء برای قرائت قرآن و هدیه نمودن قرآن
از شصت پاره و نخوان و سوزنی و فروش و ظروف و
شمعدان و شمع و قهوه و غلیان و اجرت خادم که شرط
شرعی شد که متولی شرعی منافع عین موقوفه را



از سر سال به سر سال بیشتر بعقد اجاره یا عقد
دیگر مشغول نکند و بعد از وقوع اشتغال تا سر سال
سابق تمام نشود ثانیا نقل منافع ننماید و هکذا
بظالم و متغلب که خوف استقلال و غصب او باشد ننهد
و تولیت و نظارة عین موقوفه و منافع آن از زمان
صدور وقف مزبور الی سیر و ز تمام با جناب مستطاب
شامخ الالقاب العالم العامل العادل الفاضل
الکامل وحید عصره و فرید دهره و مجتهد زمانه
فخر الحجاج والعماد المؤید من عند الله الحاج ملا عبد الله
دام مجده و علاه مفوض است و پس از مدت مرقومه
مادام حیات حاجیه مکرمه حاجیه خانم محترمه تعیین

متولی

متولی آنشان زیرا که مخدره معظمها خود موقوف علیها
میباشند و بهر نحوی که خود خواهند مختاره در صرف
منافعند و اما بعد از ایشان تولیت مفوض است
بیکی از اقارب ایشان در مرتبه اولی که اقرب بوارث
و اکثر سهم در ارث باشد چه از ذکور و چه از اناث بشرط
آنکه صاحب صفت بصیرت و صلاح بحال عین موقوفه
و صرف در مصارف مقرره باشد و لو بواسطه
و نیز متصف باشد بصفت رشد و امانت و حسن ظاهر
و با تعدد چنین شخص ذاتا و صفتا تولیت با جمیع
ایشانست و با فقدان چنین شخص ذاتا و صفتا
تولیت با ازهد و اتقی از علمای متشرعه دار السلطنه



تبریز است که از عرفا و شیخیه نباشد و نظارت
امورات متعلقه بعین موقوفه و منافع آن در این
مضی مدت سیر و زمن بود با جناب مستطاب شریعت
انتساب العلم العلام الفهام قدوة الانام شرف
الحاج حاجی میرزا محمد باقر امام جمعه دار السلطنه
تبریز دام مجده العالی است و بعد از آن جناب با کسی است
که بصفت عدالت و امانت و متشرع بودن مشهور
باشد و از اقارب مخدره مکرمه حاجیه خانم محترمه
باشد که همان نظر نماید و مطلع باشند و استصواب
و صلاح دید و اگر صاحب اوصاف مزبوره در اقارب
متعدد باشند همه ناظرند و اگر در اقارب صاحب اوصاف

مرقومه

مرقومه نباشد کسی از انها که باوصاف مسطوره اقرب
باشد ناظر است و اگر هیچ یک از اقارب صاحب
اوصاف مرقومه یا اقرب بانها نباشند چه از ذکور
و چه از اناث نظارت با کسی است که بصفت عدالت
و امانت مشهورتر است از سکنه دار السلطنه تبریز
و با تعدد در اینصورت کسی است که قرعه شرعیه
با اطلاع و حضور متولی باسم او خارج شود و صیغه
وقف مزبور بنحو مقرر در شرع شریف فارسیا
و عربیا ایجابا و قبولا مرة از جانب مخدره حاجیه خانم
موقوف علیها نظر بانکه موقوف علیها میباشند
و مرة از جانب حاکم شرع نظر بانکه وقف عام است و مرة

از جانب جناب متولی و ناظر مکرم کرتاسی دوز
آن جناب متولی و ناظرند جاری گردید و قبض و اقباض و
تخلیه و تصرف از جانب مخدره حاجیه خانم موقوف
علیها و از جانب حاکم و از جانب متولی بعمل آمد
فصار وقفاً صحیحاً لازماً شرعیاً وکان ذلک
فی یازدهم شهر جمادی الاولی از شهور سنه هزار و
دویست و شصت و نه از هجرت سنه ۱۲۶۹





اعترف واعترف بما رقم فی الورقه
وحصل العلم بانها هی
لدیّ فی ۲۳ جمادی الاخره
محل مهر جناب ... شریعتمدار
جناب حاجی میرزا باقر مجتهد
تبریزی سلمه الله

اقر بما رقم فی الورقه الذی
وحصل العلم بانها هی
فی ۱۲
شهر جمادی الاخره
الداعی ... محل مهر میرزا ...
و آقا سید باقر







قد تشرفت باستماع ما ابرز فی هذه الحجة
عن الواقف الماجد الموصوف بالتوصیفات
العلیة الموفق بالتایید الجلیلة و
جرت الصیغة الصحیحة الشرعیة کما هو
المحرر فی هذه الورقة وکتبه الداعی
الدولة القاهرة محل مهر جناب آقا میرزا [illegible]
مجتهد سلمه الله

قد عرفت واقررت بما فی هذه الورقة [illegible]
[illegible]
محل مهر [illegible]

قد سمعنا الاقرار منهما دامت شوکتهما
بجمیع ما ابرز فیه وانا العبد محمد حسین
المدعو بالناظر [illegible]
محل مهر شریف

قد سمعنا الاعتراف من الواقفة [illegible]
دامت [illegible]
[illegible]
محل مهر شریف

قد سمعنا الاعتراف [illegible]
[illegible]
محل مهر [illegible]

[illegible]
[illegible]
لا حظه الجانی

اعترف [illegible]
[illegible]

بسم الله [illegible]
قد ثبت ما ابرز فیه [illegible]
القطعیة عندی حرره [illegible]
جناب حاجی میرزا هاشم مجتهد [illegible]
سلمه الله

ذلک کذلک
محل مهر جناب میرزا عسکری امام جمعه
خراسان سلمه الله تعالی

اقررت واعترفت دامت
[illegible]
[illegible]

[illegible]

الواثق علی ربه الصمد
والمطلع علی السرائر

بسم الله الرحمن الرحیم

حمدی که مستوفیان ملاء اعلی وشکری که محاسبان

دیوان



دیوان قضا بدستیاری خامه لو ان ما فی الارض
من شجرة اقلام و بامداد مداد و البحر یمده من بعده
سبعة ابحر از عهده وجوه وجهات آن بیرون نتوانند
آمد و ثنا که واقفان مواقف عارفان معارفند از
کیفیت بیان آن بمضمون لا احصی ثناء علیک انت
کما اثنیت علی نفسک عاجز و قاصر آیند و اهالی اسرار را
سزد که مصالح فتح ابواب خیرات در قبضه فرقه
المتصدقین و المتصدقات گذاشته و باین وسیله ابواب
رحمت جاوید بر چهره این زمره فاینه گشاده و ایشان را
توفیق تملک املاک کرامت فرموده تا بذر و صدقات
در مزارع قلوب لعباب خیرات با بیاری خلوص نیات

تربیت نماید و هر کس را از محصولات بهره ور کردانند
کرد در یوم یقوم الحساب بمقتضای آیت سراپا کرامت
مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة
انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله
یضاعف لمن یشاء بنیل مثوبات جزیله فایز کردانند
وصلوات نامیات بابرکات نثار مرقد مطهر منور آن
عالیمقداری که فرق فرقدان سایش بافسر و ما
ارسلناک الا رحمة للعالمین مشرف و عظیم الشانی
که خلعت خلقتش بطراز لولاک لما خلقت الافلاک
مزین نموده علت ایجاد الممکنات و ذاتش مرکز دایرهٔ
الارض والسموات مخاطب بخطاب انک لمن المرسلین داشت

کشاد



کشاد و ما هو علی الغیب بضنین واللیل موی والضحی
روی وانک لعلی خلق عظیم شخوی اکر نه واسطهٔ رو
و موی او بودی خدا خلق نکفتی قسم بلیل و نهار صلی الله علیه و آله
و اولاده الطاهرین وهم شفعاء یوم الدین وبعد
از طوالع مطالع اینکتاب باضواء و شوارق مشارق
انجاب مستطاب لمعهٔ صدق اینمعنی تابنده و شعشعهٔ
وقوع اینمعنی درخشنده باد که هر کرا شمع هدایت
ازلی رهبری نماید و خاطر از کدورات نفسانیه مصفی
سازد بر مرات ضمیر منیرا و صورت اینمعنی جلوه کر کردد که
مراتب دنیه دنیا را بقائی و لذات جسمانیه را ثباتی نیست
وارتقا بر معارج سعادات اخرویه کسیرا میسر شود

که همگی اوقات فرخنده ساعات خود را در تکثیر خیرات
و مبرات مصروف نموده سعی موفور بتقدیم رسانده و
کریم اموال خود را ذخیره و اعتصام یوم لا ینفع مال
و لا بنون سازند و چون توفیقات ازلی و تاییدات
لم یزلی قرین حال و کفیل مآل علیا جناب خدارت مآب
قمر نقاب خورشید احتجاب بلقیس مکانی آسیة الزمانی
فاطمة الدورانی اختر برج عصمت و طهارت گوهر
درج عفت و خدارت پرده نشین حجله عزت و حیا
تکیه گزین مسند عظمت و اعتلا السیدة الجلیلة
النبیلة المحترمة طایفة بیت الله الحرام حاجیه جان آغا بیگم
دامت خدارتها همشیرهٔ مکرمهٔ جناب جنت مکان خلد

اشیان



آشیان رضوان جایگاه حاجی میرزا موسی خان
اعلی الله مقامه و رفع الله درجته کردید تقربا الی الله تعالی
و طلبا لمرضاته وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد معتبر
اسلامی نمودند همگی و تمامی کل دو باب حوالی اندرونی
و بیرونی و حمام جدید البنا ملکی موروثی از اخ اکرم
معظم جنت مکان خود را که واقع است در درب مسجد
جامع رضا قدس و محدود است کلا از دو حد
بممر عام از سمتی بحوالی خیر الحاج حاجی میرزا محمد علی
مرحوم از جانبی بحوالی و فیهی متصرفی میرزا بابا ابردهی
با کافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه از ممر و مدخل و
بیوتات تحتانی و فوقانی و فضا و اخشاب و ارسی و دروب

وخارج وداخل حمام وغیره وکلما یتعلق بها من
القلیل والکثیر والنقیر والقطمیر حفاظ وقاریان
وسوخت سرمزار غفران آثار برادر گرام خود خان
علیین آشیان خلد مکان اعلی الله مقامه که در هر
عصری از اعصار متولی شرعی آن حوالیها نبوده را
باشخاص متشرع مقدس یکمتر از سر سال با جاره شرعی
داده مال کرفتن اجاره خط معتبره مداخل ومنافع
آنرا بعد از وضع تعمیرات لازمه آن که هیچوجه من الوجوه
نقصانی بر بنیاد وبنا وآبادی آن وتنقیح آن نیابد یکعشر
کامل بجهة حق التولیه خود تصرف نموده بقیه را
بقدریکه بجهة سوخت سرمزار مرحوم مبرور که واقع است

درحرم



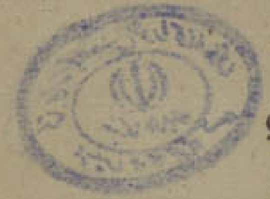
درحرم مطهر امام ثامن ضامن صلوات الله علیه
بین الصفتین پس پشت مبارک ومسجد بالاسر
مبارک محتاج باشد از شموع موم که در هر صباح
ومسا منور وروشن باشد بجهة تلاوت حفاظ
وغیره اولا صرف نماید وهما زاد را بحفاظ سرمزار
غفران آثار که صحیح القرائه باشند کار سازی نمایند
وعلیا جناب واقفه دامت توفیقاتها تولیت وقف
مزبور را مفوض نموده مادام الحیوة بنفس نفیس خود
وبعد از فرزند کاینی باولاد ذکور خود وباعدم آن
باولاد ذکور اقارب خود که بصفت رشد وصلاح
آراسته باشند بطنا بعد بطن ونسلا بعد نسل وعقبا



بعد عقب ونیابت تولیت ونظارت وقف مزبور را
مفوض نمودند بمتولی شرعی سرکار فیض آثار کرد
هر عصری از اعصار متولی شرعی وقف مزبور بنظارت
واطلاع متولی شرعی سرکار فیض آثار حسب القرار
واقعه المشار الیها معمول دارد وباعدم توطن ومجاورت متولی المتوطن
وقف مزبور در ارض اقدس جناب ناظر نیابتا عن
حسب القرار واقعه معمول خواهد داشت وعلی جناب
واقفه تمامی اعیان موقوفه را از تحت تصرف وید تملک خود
اخراج وبتصرف موقوف علیهم واگذاشت وخود تولیتا
اعیان موقوفه را تصرف نموده وصیغه شرعیه بالعربیه
والفارسیه علی قانون شریعة الاحمدیه صلی الله علیه وآله

خیر





خیر البریه بر مراتب مسطوره واقع وجاری شد وقفا
صحیحا صریحا شرعیا بحیث لا یباع ولا یرهن ولا
یوهب فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین
یبدلونه وکان ذلک بتاریخ نوزدهم شهر جمادی الاولی
من شهور سنه ثلث وستین ومائتین بعد الالف من الهجره المقدسه
النبویه علی هاجرها الاف التحیه سنه ۱۲۶۳









